

موارد کاربرد قرعه در فقه شیعه

محمد رضا بیرایی

چکیده

قرعه در اصطلاح فقهی به معنای انجام کاری جهت معلوم شدن امر شرعی مشتبهی در صورت عدم دلیل قطعی یا ظنی معتبر یا اصل عملی می باشد که در فقه امامیه کاربرد دارد. از آنجایی که در آموزه های اسلامی هر نوع بن بست و تحیری با راه کار و طرحی حل و فصل می شود قرعه از جمله طرح های فقه برای خروج از انسداد می باشد.

در این نوشتار ابتدا پیشینه تاریخی بحث گفته میشود و بیان میشود که این قاعده در زمان جاهلیت نیز وجود داشته و بعد از ظهور اسلام نیز مورد توجه اسلام قرار گرفته و ادله ای بر جواز آن در برخی ابواب فقهی به ما رسیده است که اجمالی از این ادله بیان میشود در قرآن کریم نیز آیاتی مبتنی بر قرعه در داستان حضرت یونس علیه السلام آمده که نشان میدهد شارع مقدس این قاعده را امضا کرده. این بررسی نشان میدهد که قرعه امروزه نیز قرعه در ابواب

مختلف فقه کاربرد دارد

مقدمه

وظیفه استنباط احکام شرعی بر عهده علم فقه میباشد با توجه به گستردگی احکام مکلف و مسائل مستحدثه نمی توان برای هر فعل مکلف به صورت جزئی بیان تکلیف کرده فلذا در فقه قواعدی کلی بیان شده اند که به حمل مصادیق برای قواعد میتوان احکام جزئی را استنباط کرد که یکی از این قواعد قاعده قرعه میباشد که به سیله قرعه مکلف از بلا تکلیفی خارج میشود. این عمل در تمامی مواردی که ما طریقی به کشف واقع نداریم در شبهات موضوعیه و از طرفی حتما باید به حکم مذکور دست پیدا کنیم جاری می شود، و اختلاف روایات نشان میدهد کیفیت خاصی ندارد و به طرق مختلف انجام میشود. این قاعده در بسیاری از ابواب فقه کاربرد دارد و برخی از محققین بیان داشته اند که در تمام ابواب فقه قرعه را می توان به کار بست، از جمله ابوابی که قرعه کاربرد بیشتری دارد میتوان ابواب قضا و شهادت، ارث، عتق، وصیت، وقف را بیان داشت. ادله ای که فقها برای قرعه بیان داشته اند شامل قرآن کریم، سنت و اجماع می باشد که در ادامه این پژوهش بیان می شود.

پیشینه تاریخی قرعه قبل از اسلام

قرعه در میان اقوام و ملل پیشین وجود داشته و مردمان گذشته از آن استفاده میکرده اند به گونه ای که بیان شده یهودیان در مواقعی حتی پیامبر خود را از طریق قرعه انتخاب میکرده اند و قرعه را حکم خدا میدانسته اند. اینک به پاره ای از مواردی که قرعه در ملت های مورد استفاده قرار میگرفته اشاره میشود

الف) سرپرستی حضرت مریم سلام الله علیها

سوره مبارکه ال عمران با اشاره به سرگذشت حضرت مریم سلام الله علیها، مقطعی از زندگی ایشان را بیان میکند که بر سر سرپرستی حضرت بین سران قوم بنی اسرائیل نزاع در گرفت که آنان برای برون رفت از مشکل راه قرعه را در پیش گرفتند، قرآن کریم واقعه را چنین بیان میکند ((إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذِ يَخْتَصِمُونَ)) (آل عمران ۴۴) قتی که آنان قلم های خود را [برای قرعه کشی به آب] میافکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزد آنان نبود.

پس از آنکه منازعه کنندگان پذیرفتند که قرعه میان خواسته آنان حکم کند، همگی بر سر نهر آبی حاضر شدند و قلم های خود را در آب انداختند. برخی مفسران، قلم ها را وسیله نگاشتن تورات دانسته اند که از آنها برای قرعه استفاده میکردند، به این صورت که روی آنها نام قرعه زندگان یا قرعه شونده را مینوشتند؛ برخی نیز مراد از اقلام را عصا^۲ یا تیر^۳ دانسته اند.

آنان پس از به آب انداختن قلم ها، منتظر ماندند تا کدام قلم بر آب غلبه میکند و آب آن را جاری نمیکند. آن گاه که قلم زکریا علیه السلام بالا آمد،^۴ او سرپرستی مریم سلام الله علیها را عهده دار شد. برخی مفسران این پیروزی را نشانه و معجزه زکریا علیه السلام دانسته اند که جریان امور به دست پیامبر است^۵ از امام باقر علیه السلام نقل شده است: حضرت مریم سلام الله علیها اولین کسی بود که مورد قرعه واقع شد.

۱۰. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التتویر، ج ۳، ص ۹۶

۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۵۰

۳. حلی، وهب بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج ۳، ص ۲۲۳؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۶۰

۴. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۸۶
۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۶۰؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۸۶

در تفاسیر قرآن کریم ، دو زمان متفاوت برای انجام قرعه بیان شده است . قول اول آن است که مادر مریم سلام الله علیها حمل خود را وقف معبد نموده بود؛ پس از ولادت ایشان ، او را به معبد آورد و به علما و بزرگان بنی اسرائیل خطاب کرد این نوزاد برای خدمت خانه خدا نذر شده است ، سرپرستی او را به عهده بگیرید . آنجا که مریم سلام الله علیها از خانواده ای بزرگ و معروف به پاکی و درستی (خانواده عمران) بود، عابدان بنی اسرائیل ، برای سرپرستی او بر یکدیگر پیشی می گرفتند، ۲۱ از سوی دیگر، حضرت زکریا علیه السلام جهت توجیه اولویت خویش بر کفالت مریم سلام الله علیها چنین میفرمود: «خاله مریم سلام الله علیها نزد من است ، پس من جهت کفالت او سزاوارترم .» به همین جهت چاره ای جز قرعه نیافتند^۶

(ب) نجات کشتی حامل حضرت یونس علیه السلام

جریان دیگری که با موضوع قرعه در قرآن از آن یاد شده ، واقعه به آب انداختن حضرت یونس علیه السلام است . حکایت زندگی ایشان در چهار سوره از قرآن کریم (یونس : ۹۸؛ انبیاء: ۱۷ و ۱۸؛ صافات : ۱۴۱؛ قلم : ۵۰) بیان شده است . آنچه به موضوع این نوشتار مرتبط است ، بخشی از حیات حضرت است که در سوره صافات ذکر شده :

﴿ فساهم فکان من المدحضین ﴾ (صافات : ۱۴۱)؛ قرعه زدند و او در قرعه مغلوب شد.

پس از آنکه حضرت یونس علیه السلام از هدایت قومش ناامید شد، آنان را به عذاب الهی وعده داد. با نزدیک شدن زمان عذاب ، قومش را خشمگینانه ترک کرد و آنان را به عذاب الهی وا گذاشت ، در حالی که خداوند دستوری به او برای این کار نداده بود.^۷ او برای دور شدن از آن سرزمین ، سوار بر کشتی شد. ناگهان نهنگی به کشتی نزدیک شد و دهانش را باز کرد. کشتینشینان این اتفاق را نشان از آن دانستند که گناهکار^۸ یا بنده ای فراری^۹ در میان آنان است . در نتیجه تصمیم گرفتند که قرعه کشی نمایند و یک نفر را به دریا بیندازند. به همین منظور قرعه انداختند؛ گفته شده که سرنشینان کشتی این کار را سه بار تکرار کردند؛ اما در هر بار انداختن قلم ها،

^۶ ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن ، ج ۱، ص ۲۷۳

^۷ قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ، ج ۱، ص ۱۸۱

^۸ : فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) ، ج ۲۶، ص ۳۵۷

^۹ : بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل ، ج ۵، ص ۱۸

نام یونس خارج میشد. در نتیجه همگی فهمیدند که تنها با به آب انداختن یونس علیه السلام، در امان خواهند بود، لذا ایشان را به دریا انداختند و آن ماهی بزرگ، وی را بلعید.^{۱۰}

ج) تقسیم اموال در جاهلیت

از مواردی که قرآن کریم به قرعه اشاره کرده، عبارات مشابهی است که در سوره مبارکه مائده ذکر شده است:

﴿حرمت علیکم المیتة... وأن تستقسموا بالأزلام ذلکم فسق﴾ (مائده: ۳)؛ رام شد بر شما... و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید که این کار خود نافرمانی است و ﴿إنما الخمر والمیسر والأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه﴾ (مائده: ۹۰)؛ شراب و قمار و بت ها و گروندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید.

در اینکه استقسام به ازلام چیست و چگونه انجام میگرفته، اختلاف نظر است. برخی مراد از آن را استخاره به وسیله چوب ها و تشخیص خیر و شر افعال میدانند^{۱۱} اما علامه طباطبایی رحمه الله آن را صحیح نمیداند و معتقد است این وجه با سیاق آیه نمیسازد و نمیشود آیه را حمل بر چنان معنایی کرد؛ زیرا آیه شریفه در مقام شمردن خوردنیهای حرام است.^{۱۲} برخی نیز آن را از نوع بخت آزمایی دانسته و در توضیح آن گفته اند: ده نفر با هم شرط بندی میکردند و حیوانی را خریداری و ذبح میکردند. پس ده چوبه تیر که روی هفت عدد از آنها عنوان «برنده» و سه عدد عنوان «بازنده» ثبت شده بود در کیسه مخصوصی میریختند و به صورت قرعه کشی آنها را به نام هریک از آنان بیرون می آوردند، هفت چوبه برنده به نام هر کس میافتاد، سهمی از گوشت بر میداشت و چیزی در برابر آن نمیدادند؛ ولی آن سه نفر که تیرهای بازنده به نامشان افتاده بود، باید هر کدام یک سوم قیمت حیوان را بپردازند، بدون اینکه سهمی از گوشت داشته باشند^{۱۳}

ادله قرعه

علما در استدلال بر اثبات قرعه به آیات ۴۴ سوره آل عمران و ۱۴۱ سوره صافات، سنت معصومین علیهم السلام، اجماع و بنای عقلا تمسک کرده اند.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۱۶

۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ج اول، ۱۴۱۲ق

۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ج دوم، ۱۳۷۵ش

۱۳. وسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: شیخ آغابزرگ تهرانی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا

در استدلال به سنت به روایتی همچون نقل حماد بن مختار استناد شده است: ابی حنیفه به دیدار امام صادق علیه السلام رفت، حضرت از وی سؤال کرد خانه ای خراب شود و همه اهل منزل بمیرند و فقط دو کودک زنده بمانند که یکی از آن دو فرزند، صاحب منزل و دیگری برده و مملوک او باشد و ندانیم کدام فرزند و کدام مملوک است تکلیف چیست؟ ابوحنیفه گفت: نصف هر یک از دو کودک آزاد و نصف دیگر مملوک خواهد بود. حضرت علیه السلام فرمود: این صحیح نیست، بلکه قرعه خواهیم انداخت و فرزند را با قرعه ثابت میکنیم، یعنی هر یک قرعه به نامش افتاد آزاد و فرزند صاحب خانه میشود و دیگری برده و مملوک آن بچه خواهد بود.^{۱۴} همچنین برخی علما مانند شهید اول در اثبات قرعه، ادعای اجماع نموده اند^{۱۵} برخی نیز بنای عقلا را در تأیید قرعه ذکر کرده اند؛ عقلا در اموری که مرجحی برای ترجیح یک طرف یا یک مورد وجود ندارد، برای ختم غائله و رفع تنازع و نفی اعمال نظر و سلیقه، به قرعه متوسل میشوند این برنامه در میان همه عقلا رواج داشته و دارد.^{۱۶} چنانچه بیان شد یکی از راه های اثبات قاعده قرعه، استناد به قرآن کریم است،

موارد قرعه در فقه

قاعده قرعه در ابواب مختلف فقه موارد مورد تمسک قرار گرفته است، در تطبیع که صورت گرفت بالغ بیست و سه مورد را در احصاء گردید بیشترین کار برد این قاعده در ابواب معاملات مخصوصاً باب قسمت مال شراکت و صیت عتق عبد اختلاف الحاق ولد و خنتی مشکله می باشد. در بین فقه های بیشترین استناد به قاعده را به شیخ طوسی آورده که موارد متعدد وجود دارد که فقط ایشان قائل به قرعه در آن موارد بوده اند. در این قسمت موارد کاربر آنها در ابواب مختلف فقه ذکر میگردد.

۱. در انتخاب مؤذن

۱۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۱۳۸.

۱۵. العاملي، محمد بن مكي (شهيد اول)، القواعد و الفوائد في الفقه و الاصول و العربية، ج ۲، ص ۱۸۳.

۱۶. ملكي اصفهاني، مجتبي، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۲، صص ۳۰ - ۳۱.

یکی از موارد کاربرد قرعه در انتخاب مؤذن است. اگر در اذان گفتن بین چند نفر اختلاف شد اعلم آنها مقدم میشود در صورت تساوی در علم بین آنها قرعه زده می شود^{۱۷}

۲.۲ در پرداخت زکات

درباره سن گوسفندی را که برای زکات میدهند گفته شده که حداقل سال اول آن تمام شده باشد اگر بز میدهد دو سال آن تمام شده باشد. محقق در شرایط قول اول را ترجیح داده است و فرموده که در این مورد اگر عامل زکات تخییر ندارد و اگر اختلاف شده قرعه زده می شود.^{۱۸} البته در مور کیفیت قرعه ایشان توضیح نداده است که یا بین قول ساعی و قول پرداخت کنند زکات قرعه زده می شود احتمالا بین دو قول ساعی و پرداخت کنند زکات قرعه زده شود تا که قول کدام مقدم شود

۳.۳ قرعه در قسمت

یکی از مهم ترین موارد کاربرد قرعه در قسمت اموال مشترک است. اگر مالی بین دو یا چند نفر شریک باشند بخواهند سهم هر کدام جدا شود اول آن سهام را تعدیل می کنند یعنی به تعداد سهام های موجود به طور مساوی تقسیم میکنند بعد از طریق قرعه سهم هر یک از سهام داران مشخص میشود^{۱۹}

چنین متبادر است در ذهن که قرعه در باب قسمت در صورت اختلاف شرکاء و عدم تراضی آنها، برای تعیین سهم هر یک اجراء شود ولی صاحب جواهر طبق مبنای خودش حتی در صورت تراضی شرکاء به قسمت باز هم گفته است که تنهای راه تعیین سهام شرکا قرعه میباشد و قرعه را برای تعیین سهم واجب می داند. ایشان در مورد مفهوم شرکت برخلاف مشهور اشاعه را قبول نکرده و قائل است که کسانی که شریک هستند سهمشان به شکل کلی در معین است؛ در نتیجه چاره ای جز قرعه نیست. قرعه رای ما مشخص میکند که آن مصداق مردد کدام است که سهم واقعی طرفین با آن مشخص می شود. لذا ایشان قاعده ای الناس مسلطون علی اموالهم را در اینجا جاری نمی داند^{۲۰}

۱۷ جعفرین حلی محقق نجم الدین پشین ج ۱ ص ۶۷
۱۸ جعفرین حلی محقق نجم الدین پشین ج ۱ ص ۱۳۵
۱۹ همان ج ۲ ص ۱۰۷
۲۰ حسن نجفی صاحب الجواهر جواهر، پشین، ج ۲۶، ص: ۳۱۱

نکته: برخی بین قاسم منصوب از قبل امام و قاسمی که طرفین با تراضی خودشان آن را برای قسمت حقشان اختیار کرده‌اند فرق گذاشته‌اند هر دوی آنها باید بر اساس قرعه تقسیم کنند ولی تعیین به قرعه قاسم منصوب امام لازم می‌شود چه طرفین به آن رضایت داشته باشند یا نداشته باشند ولی قرعه قاسم توافقی در صورت تراضی طرفین لازم می‌شود.

۴. قرعه در مضاربه

اگر در عقد مزارعه بین مزارع و عامل در مدت زمان عقد اختلاف شود و طرفین بینه اقامه کند؛ دو قول مطرح شده یک قول این است که بینه عامل مقدم می‌شود قول دیگر این است که در این صورت به قرعه مراجعه می‌شود. اما قول اول موافق قواعد باب قضاء و شهادت می‌باشد به همین دلیل اکثر علما آن را ترجیح داده‌اند^{۲۱} همچنین اگر زارع ادعای کند که زمین را به من عاریه دادی ولی مالک منکر شود و ادعای حصه و اجرت نماید بینه هم در بین نباشد قول صاحب ارض مقدم می‌شود. یک قول گفته شده که اینجا قرعه زده می‌شود^{۲۲}

۵. قرعه در وقف

در موردی که شخصی وقف هبه عتق و بیع را انجام داده باشد ولی تقدم و تأخر زمانی وقوع آنها نیز معلوم نباشد باید برای تعیین ترتیب زمانی بین آنها یا وقوع آنها مقترنا قرعه زده می‌شود. کیفیت قرعه نیز به این ترتیب است یک مرتبه قرعه می‌زنند بر اقتران همه آنها یا بر ترتیب بین همه آنها و یا اقتران در بعضی و ترتیب در دیگری تا بدین وسیله اصل ترتب یا عدم ترتب معلوم شود. بعد از آن برای تعیین احتمالات تقدم و تأخیر هر یک قرعه زده می‌شود

۶. قرعه در وصیت

در باب وصیت نیز موارد متعددی وجود دارد که در کتب فقهی به قاعده قرعه تمسک شده است. گر شخصی ثلث مالش را برای شخصی وصیت کند در مرتبه دوم ثلث مالش را برای شخص دومی وصیت کند وصیت دوم یک نوع رجوع از وصیت اول محسوب می‌شود. حال اگر تقدم و تأخر این دو وصیت معلوم نباشد با قرعه مشخص می‌شود

۲۱ همان ج ۲ ص ۱۲۱

۲۲ نجفی، صاحب الجواهر جواهر، پشین، ج ۲۷ ص ۱۳۸

۲۳ همچنین در موردی که شخص وصیتهای متعدد داشته باشد مجموع آنها بیشتر از ثلث باشد ورثه نیز اجازه ندهد. در این صورت به ترتیب زمانی هر کدام که از لحاظ زمانی مقدم باشد به ترتیب مقدم میشود تا به اندازه ثلث برسید و زیاده بر آنها باطل خواهد بود. اما اگر ترتیب زمانی آنها معلوم نباشد در این صورت صاحب شرایع برای تعیین ترتیب آنها قرعه را ترجیح داده است. ۲۴ اگر وصیت کند به عتق عبدهایش و غیر از آنها سرمایه ای دیگر نیز نداشته باشد، ثلث از آنها را به قید قرعه آزاد میکند همچنین اگر وصیت کرده باشد به عتق عدد حاصل از عیدش آن عدد با قرعه از بین عبدهایش مشخص میگردد ۲۵

۱۰۷. ارث زوج و زوجه

اگر شخصی در حال کفر بیش از چهار زن داشته باشد و مسلمان شود. در این حالت هر یک از زوجات او که مسلمان شده به تعداد چهارتا با اختیار زوج در نکاح او باقی می ماند. حال اگر مرد قبل از اختیار زوجه اش و بعد از اسلامش فوت کرد و همچنین زوجه هایش نیز بعد یا قبل از او فوت کردند. در این صورت در تعیین زوجه ای اول بعد اسلام و در نتیجه تعیین وراث آنها اختلاف نظر است صاحب جواهر به تبع صاحب شرائع تمسک به قرعه را در اینجا مطرح نموده؛ زیرا از مصادیق امر مشکل است ۲۶

۸. قسمت زوجه ها

در سفر حق قسمت زنها بر زوج ساقط میشود حال اگر خواست همسری را همراه خود سفر ببرد اختیار با زوج است ولی مستحب است که بین آنها قرعه زده شود. اگر با قرعه تعیین شد حق تغییر آن را ندارد اگر چه ابتداء اختیار با زوج بود ۲۷

(و یستحب أن یقرع بینهن إذا أراد استصحاب بعضهن و هل یجوز العدول عن خراج اسمها الی غیرها قیل لا لأنها تعینت للسفر و فیه تردد). ۲۸

۲۳ جعفر بن حسن، حلی، محقق، الدین ج ۲ ص ۱۹۲

همان ج ۲ ص ۱۶۶

۲۵ همان ج ۲ ص ۱۹۸

۲۶ حمد حسن نجفی صاحب الجواهر، جواهر پیشین ج ۳ ص ۱۸۵

۲۷ محمد بن حسن طوسی، ابو جعفر، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۴، ص: (۳۳۳)

عفر بن حسن، حلی، محقق، نجم الدین، ۲۸

۹. حضانت اطفال

اگر جماعتی که نسبتشان به طفل به یک درجه مساوی باشند برای تعیین استحقاق حضانت طفل بین آنها قرعه زده میشود در صورت تعیین با قرعه این حضانت تا زمان موت شخص برای او ثابت میگردد مگر خودش از آن اعراض کند در این صورت به دیگر منتقل می شود اگر واحد باشد و اگر متعدد باشد دوباره قرعه زده میشود^{۲۹}

۱۰. طلاق

اگر برای شخصی زوجات متعدد باشد و به صورت مطلق بگوید زوجتی طالق اگر شخصی معینی از زوجاتش را اراده کرده است صحیح است و تفسیر او قبول میشود. اما اگر شخص معینی از زوجاتش را اراده نکرده باشد برخی گفته اند طلاق باطل است بخاطر عدم تعیین و برخی دیگر گفته اند که زوجه مطلقه با قرعه تعیین میگردد صاحب شرائع این قول را ترجیح داده است^{۳۰}

مورد دیگر جای که شخصی بگوید: (هذه طالق أو هذه و هذه) سومی طلاقش حتمی است. زیرا عطف بر مفهوم سابق شده است. اما نسبت به دو فرد اول که به صورت مردد بیان شده باید خود زوج معین کند حال اگر زوج قبل از تعیین فوت کند بنا بر مبنای که بگویم حق تعیین مطلقه به وراثت او منتقل نمیشود برای تعیین زوجه مطلقه قرعه زده میشود و اسم هر دوی آنها را روی کاغذی می نویسند و یکی را بر میدارد.^{۳۱}

۱۱. صید

گر دو نفر به طرف صیدی تیر انداخته باشد یکی صید را مجروح و دیگر آن را مثبت (از حرکت متوقف کرده) در این صورت صید مال مثبت است و جارح ملکیت ندارد و نسبت به حرجش ضمان هم ندارد چون جنایت او در ملک غیر صورت نگرفته اما اگر مثبت بین آن دو نفر مشخص نباشد محقق حلی در شرایع و همچنین صاحب

۲۹) محمد حسن نجفی، صاحب الجواهر جواهر، پشین ج ۳۱، ص ۳۰۰
۳۰) جعفر بن حسن حلی، محقق، نجم الدین، پشین، ج ۳، ص: ۶؛ طوسی، ابو جعفر
۳۱) محمد حسن نجفی، صاحب الجواهر، جواهر، پشین، ج ۳۲ ص ۵۲

جواهر استخراج مثبت به قرعه را ترجیح داده اند. زیرا علم داریم که یکی از آنها فقط مثبت بوده و هیچ قاعده شرعی بر اشتراک آنها هم نداریم پس از موارد مشکلی است که باید به قرعه تمسک کرد^{۳۲}

۱۲. حیوان موطئه

گر انسانی حیوانی را وطی کند گوشت آن و گوشت نسل او حرام میشود باید آن حیوان را بکشند و آتش بزنند. اگر حیوانان سواری مثل فاطر و است باید از آن بلد به بلد دیگر غیر معروفه بفروشند. حال اگر این حیوان بین تعداد دیگر مشتبه شد برای پیدا کردن آن قرعه می زنند به این صورت که حیوانان را به دو دسته مساوی تقسیم میکنند و بعد قرعه می زنند. دو طرف که قرعه به او افتاده به دو دسته تقسیم میکنند و قرعه میزنند به همین ترتیب قرعه را تکرار می کنند تا یک حیوان باقی بماند و آن را میکشند و گوشتش را آتش می زنند^{۳۳}

۱۳. تعیین مکان مسجد

کسی که زودتر وارد مسجد شود و مکانی را اختیار کند حق او مقدم بر دیگران است مادامی که از آنجا مفارقت نکرده باشد. حال اگر دو نفر نسبت به همدیگر برای اختیار مکان سبق بگیرند با هم به مکان برسند و امکان جمع هر دو موجب عسر و حرج شود بین آنها قرعه زده می شود. زیرا اینجا از موارد مشکلی است که قاعده ای دیگر جریان پیدا نمی کند^{۳۴}.

۱۴. معادن ظاهره

در بحث تصرف مباحات یکی از مباحات مطرح شده معادن ظاهره است که هر کسی زود تر به آن دست یافت و تصرف کرد مالک میشود و نیاز به حیاژت ندارد. مراد از معادن ظاهره معادن است که نیاز به حفاری ندارد مثل نمک دریا اگر دو نفر همزمان برای تصرف آن اقدام کردن و به طور هم زمان به آن رسیدند در صورت امکان جمع هر دوی آنها از آن استفاده می کنند و اشکالی نیست اما در صورت عدم امکان و اختلاف بین آنها قرعه زده میشود و با قرعه مستحق مشخص می شود^{۳۵}

۳۲ همان جلد ۳۲ ص ۲۳۴

۳۳ همان ج ۳۶ ص ۲۸۹

۳۴ (۲۲۱) حلی، محقق، نجم الدین، پشین، ج ۳، ص

۳۵ محمد حسن نجفی صاحب الجواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام پشن ج ۳۸ ص ۱۰۴

۱۵. لقطه

مالی را پیدا کرده و باینه به صاحبش برگردانده در این هنگام شخصی دیگر بینه اقامه کند مالکیت آن برای اوست و هیچ ترجیح نیز بین آن دو نباشد با قرعه مالک مال را مشخص میکنند. اگر قرعه به نام شخص دوم افتاد مال را از اولی میگیرند و به دومی میدهند^{۳۶}

مورد دوم در باب لقطه در جای است که لقطه ای انسان باشد و ملتقطان با هم اختلاف کنند از طرفی تمام شرائط آنها مساوی باشد و ترجیحی جود نداشته باشد؛ بین آنها قرعه زده میشود. زیرا حکم کردن به حضانت مشترک به ضرر طفل و ملتقطها میباشد^{۳۷}

۱۶. ارث خشی مشکل

در مورد الحاق خشی به احکام مذکر و مونث باید به نشانه‌های که در فقه ذکر شده مراجع کرد اگر تمام نشانه مذکور مساوی بودند در این صورت خشای مشکل میشود که حکم آن در باب ارث با قرعه مشخص می شود^{۳۸}

۱۷. باب قضا

ک از احکام قضاوت رعایت تساوی در استماع دعوای طرفین دعوی میباشد. اگر خصوما به ترتیب وارد محکمه شده در استماع دعوای آنها نیز به همان ترتیب ورود شان قاضی عمل می کند. اما اگر مجتمعا وارد شدند؛ یک قول این است که تقدم و تأخر آنها را با قرعه مشخص می کند. بدین صورت که اسامی . همه آنها را می نویسد و تحت یک ساتری قرار میدهد و به صورت اتفاقی یکی یکی خارج میکند و استماع دعوی آنها را می کند. (فإن وردوا جميعا قبل يقرع بينهم وقيل يكتب أسماء المدعين ولا يحتاج إلى ذكر الخصوم وقيل يذكرهم أيضا لتحضّر الحكومة معه وليس بمعتمد و يجعلها تحت ساتر ثم يخرج رقعة رقعة ويستدعى صاحبها)^{۳۹}

^{۳۶} جعفر بن حسن حلی، محقق، نجم الدین ج ۳ ص ۲۳۷

^{۳۷} محمد حسن نجفی، صاحب الجواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، پشین، ج، ۳۸، ص ۲۰۵

^{۳۸} همان ج ۹ ص ۲۸۱

^{۳۹} همان ج ۴۰ ص ۱۳۶

۱۸. تعارض شهادات

یکی از موارد اجراء قرعه در صورت تعارض شهادات ذکر شده صور تعارض بینه مختلف است. فقط در یک صورت آن که طرفین دعوی شاهد داشته باشند و شهود طرفین نیز از جهت بر یکدیگر ترجیح نداشته باشد و عین مال هم در ید ثالث باشد. در این صورت به قرعه حکم می شود و کسی که اسم او در قرعه خارج شده با یمین مالک عین میشود.^{۴۰}

۱۹. در عقود

اگر مؤجر و مستأجر در اصل اجرات اتفاق داشتند ولی در جزئیات آن ختلاف داشته باشند صور اختلاف آنها را صاحب جواهر به نه صورت ذکر کرده که تنها یک صورت آن که اختلاف در اجرت باشد و طرفین بینه داشته باشند قرعه جاری میشود آن به این صورت است که هر کدام از مؤجر و مستأجر بینه اقامه می کنند و تاریخی که بینه به وقوع عقد در آنه شهادت می دهد واحد است؛ در این صورت است که بینه های طرفین تعارض میکنند با اجرای قرعه قول کسی اسمش در قرعه خارج شده با یمین مقدم می شود.^{۴۱}

مورد دیگر اگر مستأجر ادعی کند که تمام منزل را اجاره کردم ولی مؤجر بگوید من یک اتاقی از آن منزل را اجاره دادم از شیخ طوسی نقل شده که بین آنها قرعه زده می شود.^{۴۲}

۲۰. اختلاف ولد

در مورد اختلاف در الحاق ولد در موارد که قرانین دیگر تمام نباشد و اصول شرعیه مانند اصل فراش قابلیت اجرا نداشته باشند با قرعه ولد به کسی که به نامش قرعه افتاده ملحق میشود.^{۴۳}

در الحاق ولد به فراش اگر کسی زنش را طلاق داده و بعد از طلاق وطی به شبه کرده باشد. بعد از آن زن وطی دومی نیز شده باشد توسط شخص دیگری در صورتی ولادت فرزند در مدتی کمتر از شش ماه از وطی ثانی ولی شش ماه بعد از وطی اول ملحق به واطی اول (مطلق) می شود. اما اگر نسبت و طی دوم کمتر از شش ماه باشد ولی

۴۰. جعفر بن حسن حلّی، محقق، نجم الدین ج ۴ ص ۱۰۲

۴۱. جعفر بن حسن حلّی، محقق، نجم الدین ج ۴ ص ۱۰۴

۴۲. همان ج ۴ ص ۲۵۱

۴۳. همان ج ۴ ص ۱۳

نسبت به وطی اول بیشتر از اقصی مدت حمل باشد طبق قاعده به هیچ یک از آن دو ملحق نمیتوان کرد. در این صورت برخی متوسل به قرعه شده اند تا فرزند را به یک طرف ملحق کند^{۴۴}

مورد دیگر در بحث جنایت بر جنین دیه او آمده است که در صورت وطی به شبهه در طهر واحد و عدم امکان انتساب ولد از طریق قواعد شرعیه با قرعه انتساب ولد مشخص می گردد تا وارث او مشخص شود. مورد سوم در جای که عده ای کنیزی را در طهر واحد و طی کنند و امه فرزندی را به دنیا بیاورد. همه طرفها ادعای الحاق ولد را بکنند یا همه سکوت کنند در این صورت گفته شده که قرعه زده می شود. کسی که قرعه به نامش می افتد باید قیمت مادر و فرزند را در هنگام تولد به دیگران غرامت پرداخت کند.^{۴۵}

۲۱. موجب قصاص

درفرضی که دو برادر باشد و هر دوی آنها مرتکب جنایت بر والدین شود یکی پدرش را بکشد و دیگر مادرش را بکشد در این فرض یک از آنها نسبت به دیگر حق قصاص دارد. در صورت اختلاف در تقدم حق قصاص بین آنها قرعه زده میشود کسی که قرعه به نامش افتاده حق قصاص او مقدم میشود و قصاص میکند و حق قصاص دیگری به وراثت منقل می شود.^{۴۶}

۲۲. دیه جنایت

اگر زنی را بکشند که در شکم او جنین بوده اگر مذکر و مؤنث بودن جنین معلوم باشد طبق آن دیه نیز ثابت می شود اما اگر مذکر و مؤنث بودن آن معلوم نباشد یک دیه برای زن و نصفین دیتین نصف دیه زن نصف دیه مرد برا جنین ثابت میشود یک قول دیگر این است که در صورت جهل به جنسیت جنین قرعه زده میشود زیرا اینجا از مصادیق مشکل و موضوع قاعده قرعه می باشد.^{۴۷}

۴۴. همان ج ۲ ص ۲۲۵

۴۵. همان ج ۲ ص ۲۸۶

۴۶. همان ج ۴ ص ۲۰۰

۴۷. همان ج ۴ ص ۲۶۵

۲۳. عتق

شخصی به طور غیر معین بگوید یکی از عبدهایم حر است برای تعیین آن به خودش می کند اما اگر قبل از تعیین فوت کند دو قول است برخی گفته اند به وراث مراجعه میشود دیگری گفته اند که آنجا محل قرعه است زیرا وراث که از قصد و نیت مالک خبر نداشته.^{۴۸}

دوم اگر شخصی نذر که اولین مملوکش را آزاد کند و همزمان چند نفر عبد را مالک شود در تعیین مصداق نذر اختلاف اقول است یک قول که مروی نیز هست این است که با قرعه مورد مشخص می شود^{۴۹}

صورت دیگر اگر کسی ثلث عبیدش آزاد کند و عبدهایش شش نفر باشد ثلث را با قرعه از یکدیگر جدا میکنیم

۲۴. شفعه

اگر دو نفر شریکه در ملک بر تقدیم بیع خود بینه جداگانه ای داشته باشد تا حق شفعه را برایش ثابت کند. بینه ها تعارض میکند عده ای از فقه که صاحب جواهر نیز به آنها تمایل پیدا کرده گفته اند اینجا محل قاعده قرعه است.^{۵۰}

نتیجه

قاعده قرعه قبلاً از آنی که یک قاعده اصولی یا فقهی باشد یک قاعده عقلانی از که در بستر تاریخ زندگی بشر همواره در موارد که راه دلیل دیگر برای حکم نبوده به آن تمسک جسته اند. نقل قرآنی نیز موبداین مطلب میباشد. شارع مقدس نیز این قاعده را امضاء کرده و به تبع آن در فقها در ابواب مختلف در شرایطی که هیچ یک از قواعد معتبر فقهی و اصولی دیگر کاربرد نداشته باشد برای حل مشکل به قرعه تمسک جسته اند. در بررسی انجام شده نشان می دهد که قاعده قرعه در ابواب مختلف فقه مطرح شده است. اگر چه بیشترین کارایی آن در ابواب معاملات مخصوص باب تقسیم مال شرکت کتاب ارث بابهای ارث زوجه جنین و خنثی باب عشق باب وصیت میت باب وقف و کاربرد بیشتری دارد. طبق این گفتار موارد احصا شده از لابلای کتب فقهی بالغ بر ۲۴ می باشد. با توجه به

^{۴۸} محمد بن حسن طوسی ابو جعفر، پشین، ج ۵، ص: ۷۶

^{۴۹} جعفر بن حسن، حلی نجم الدین ج ۳ ص ۱۷۹

^{۵۰} همان ج ۴ ص ۷۰

محدودیت این مقاله اهم موارد را ذکر نمودیم و اگر کسی با دقت بیشتر فحص و بررسی کند و موارد بیشتر از رجوع قرعه در فقه پیدا خواهد کرد. این کثرت جوع به قرعه بیان گر اهمیت توجه فقها به این قاعده میباشد. اگر چه در نگاه ابتدایی چنین به نظر می رسد این قاعده در فقه کارایی چندانی نداشته باشد یا بسیار نادرست

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير

۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم

۴. حیلی، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج

۵. طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن

۶. ابن العربي، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احكام القرآن

۷. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن

۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب

۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل

۱۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن

۱۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البيان في تفسير القرآن، بیروت: دار المعرفه

۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران:

مرتضوی. چ دوم، ۱۳۷۵

۱۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی

١٥. العاملي، محمد بن مكي (شهيد اول)، القواعد و الفوائد فى الفقه و الاصول و العربية،

١٦. ملكى اصفهانى، مجتبى، فرهنگ اصطلاحات اصول

١٧. جعفر بن حلى محقق نجم الدين پشبين

١٨. محمد حسن نجفى، صاحب الجواهر، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، پشبين

١٩. محمد بن حسن طوسى، ابو جعفر، المبسوط فى فقه الإمامية،

٢٠. جعفر بن حسن حلى، محقق، نجم الدين